

از ساختار بیرونی شعر یا مشکل اساسی رویه‌رو می‌شود و در دوره‌ی زنده‌ی نهضت بازگشت ادبی شکل می‌گیرد، تا آب‌رفته را به‌رغم خود به جوی برگردانند؛ ولی توفیق چندانی نصیب شاعران بلندآوازه‌ی چون «آذرینگلی» و «سیدعلی مشتاق اصفهانی» و «هاتف» در این مسیر نمی‌گردد. شعر معاصر ما باید از این اتفاقات ادبی درس می‌گرفت، که نگرفت؛ و آن‌قدر به ساختار لفظی و شاکله‌ی بیرونی شعر پرداخت که به‌تدریج از درونی تهی شد و امروز می‌بینیم که چه اندازه از فقر محتوایی رنج می‌کشد، بی‌اعتنایی به گنجینه‌های ارزشمند شعر کهن پارسی، تاوان سنگینی دارد که باید پرداخت و ما هم اینک سنگینی این تاوان را بر دوش شعر معاصر احساس می‌کنیم.

۲. در نقد آثار ادبی از چه منابع و چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنید؟

یکی از علل مهم بی‌سروسامانی شعر معاصر و رکود ملموس آن، گرمی بازار نقد است. نقدی که غالباً مبتنی بر نظرات شخصی است و هرکس به خود اجازه می‌دهد که در این میدان، عرض اندام کند و آرای شخصی خود را به صورت وحی منزل به شاعران جوان تحمیل نماید. در تاریخ ادبیات فارسی وقتی که بازار نقد، رواج نامعقولی می‌گیرد، شاهد افت و رکود شعر فارسی هستیم؛ مانند زمانه «حزین لاهیجی» در سده دوازدهم هجری که آن‌قدر بر قامت تازه‌قد کشیده سبک اصفهانی (= هندی) تازپانه زند که از نفس افتاد و در زمانه‌ی ما نیز همین تجربه تلخ تکرار شدن است. امروز خوشبختانه، منابع گران‌سنگی در زمینه نقد آثار ادبی خصوصاً شعر فارسی در دسترس ما قرار دارد و با بررسی و مطالعه دقیق آن‌هاست که می‌توان به مؤلفه‌های مطرح در نقد آثار معاصر دست یافت. برای نمونه می‌توان از این آثار، نام برد: هنجار گفتار اثر سیدنصرالله تقوی؛ چشمه روشن و دیداری با اهل قلم نوشته دکتر غلام‌حسین یوسفی؛ صورخیال و موسیقی شعر، اثر دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی؛ فنون شعر و کالدهای فولادین آن، تألیف دکتر مهدی حمیدی؛ طلا در مس نوشته دکتر برهانی، کلیات سبک‌شناسی تألیف دکتر سیروس شمیس، صورمعانی شعر فارسی تألیف دکتر پوران شجعی، از صبا تا نیما نوشته حبیبی آری‌پور، پیرامون شعر نوشته ضیاءالدین ترابی و ...

۳. «جاودانگی» و «زیانزد شدن» یک اثر ادبی به چه عواملی بستگی دارد؟

در این مجال کوتاه می‌توان فهرست، گونه‌ای از این عوامل دخیل در جاودانگی آثار ادبی را ارائه کرد:

۱. نگاه جامع و فراگیر
۲. جاذبه‌های بیانی
۳. غنای محتوایی
۴. بداعت و تازگی موضوع
۵. از اندیشه نویر خوردار بودن
۶. قدرت برقراری یک ارتباط تنگاتنگ عاطفی با مخاطبان

۴. حضرت‌عالی در این سالیان اخیر، در کنار شاعری، تألیفات ارزشمندی داشته‌اید؛ در میان این تألیفات، به کدام یک، بیشتر علاقه و دل‌بستگی دارید؟

معمولاً انسان‌ها تمامی فرزندان خود را دوست دارند و آثار هر محقق و پژوهش‌گری در حکم فرزندان روحانی‌اوست؛ ولی غالباً خاطره اولین اثری که به دست چاپ سپرده می‌شود در خاطر انسان باقی می‌ماند. در سال ۱۳۴۵ که فقط ۲۳ سال داشتم، به دستور یکی از اولیای خدا نسخه‌های چاپی و غالباً مغلوپ گنجینه اسرار «عمان سامانی» و نیز غزلیات «وحدت کرمانشاهی» را پس از مقابله و تصحیح و تحشیه به چاپ رساندم. این اثر که تاکنون بیش از ۱۹ بار تجدید چاپ شده و چاپ‌های اخیر اضافاتی نسبت به چاپ‌های پیشین داشته است، مورد اقبال بی‌سابقه شیفنگان فرهنگ عاشورا قرار گرفت و قرائت عرفانی این فرهنگ همیشه مانا در فاصله زمانی بسیار کوتاهی، جای خود را در محافل ادبی و در میان صاحب‌نظران باز کرد و امروز از عمان سامانی به عنوان آفریننده بهترین اثر منظوم عاشورایی در بعد عرفانی یاد می‌شود.

تاکنون بیش از ۲۵ اثر در موضوعات مختلف تألیف کرده‌ام که دو کتاب «شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی» و «اسمای مهدی موعود در آیینة شعر فارسی» از بار پژوهشی بیش‌تری برخوردارند و همین دو اثر به ترتیب در سال‌های ۸۱ و ۸۲ به عنوان بهترین اثر عاشورایی و کتاب ممتاز سال برگزیده شدند. البته رنجی که در تدوین تذکره شعری عاشورایی سرانجامه قابل مقایسه با سایر آثار، نیست و قرار است با عنوان «کاروان شعر عاشورا» در سه مجلد به چاپ برسد. ان‌شاءالله.

ادامه دارد...



حیدر آتش
صفحه ۱۴ و ۱۵

شعر امروز و دولت‌های مستعجل...

۱. مشکلات شعر امروز - به‌ویژه شعر جوان - کسل‌کننده صبحگاهی بیدار کند و او را به تلاش و حرکت وادارد.

مشکل دیگری که شعر امروز به‌ویژه شعر جوان ما با آن رویه‌روست، فقر محتوایی است. شعر امروز ما خصوصاً در این دوده‌های آخر منتهای تلاش خود را کرده است که بدون پشتوانه شعر سنتی و گنجینه‌های ارزش‌مندی که دارد، راه دیگری را فراروی خود باز کند و بر قلمرو بلامنزاعی از گستره شعر فارسی حکومت نماید که شاکله نظام مند خود را داشته باشد، ولی علی‌رغم تصرف چندین قلم مرتفع، به علت فقدان عده و عده به‌ناگزیر از آن‌ها فرود آمده است. شعر جوان ما به غروب‌های زیبای ویرینی می‌ماند که از دور، نظر انسان را به خود جلب می‌کنند ولی وقتی که آن‌ها را از نزدیک لمس می‌کنی تازه می‌فهمی که جان ندارند و بی‌روح‌اند و سرده؛ اگر هم حرفی می‌زنند، به برکت نواری است که دیگران برگردانند، و خودشان حرفی برای گفتن ندارند! اگر در دوره تیموریان، شاهد افول تدریجی سبک «عراقی» هستیم و شیوه بیانی «وقوع» و پس از آن «واسوخت» مد روز می‌شود، به خاطر آن است که سبک «عراقی» جاذبه‌های بیانی خود را از دست داده و شاعران، حرف تازه‌ای برای گفتن نداشتند. سبک «وقوع» و «واسوخت» نیز عمری به کوتاهی پائیان خود؛ «بابا شهیدی قمی» و «وحشی بافقی» و «هجری تفرشی» داشته‌اند و سبک «اصفهانی» که بعدها دوره کمال خود را در هند سپری می‌کند و به سبک «هندی» مشهور می‌شود، به خاطر رویکرد افراطی شاعران به مقوله مضمون‌یابی و غفلت

۱. مشکلات شعر امروز - به‌ویژه شعر جوان - چیست؟

شعر امروز با همه افت و خیزهایی که تاکنون داشته، نتوانسته است سمت و سوی حرکتی خود را مشخص کند. گاه با تأثرپذیری از شاعری مطرح و نام‌آشنا در جهت آفرینش آثار خاصی حرکت می‌کند، ولی با افول آن کوبک، دُری در دامن شبهای تاری که دیگر حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد - به دنبال کورسوی ستاره‌ای دیگر که درست در جهت عکس حرکت پیشین قرار دارد، به راه می‌افتد! پس از چندصباحی گشت زدن در آن‌حوالی، جاذبه‌های شعری و اندیشگی شاعری دیگر، او را از ادامه دادن به آن‌راه باز می‌دارد و به‌ناچار در اقلیم دیگری که آب‌وهوایی کاملاً متفاوت دارد، خیمه می‌زند و ... این سردرگمی‌ها، از اندیشه‌های پویای شاعرانه کلاف سردرگمی می‌سازد که آغاز و پایان خود را با گره‌های کور، پیوند داده‌است! به نظر من هنوز ستاره‌ای در آسمان شعر معاصر ندرخشیده است که بتواند برای نسل فعلی شعر فارسی ازهرجهت دل‌ربایی کند و جمال جمیل شعر او با گذشت حتی یک‌دهه پرچین و چروک نگردد. دولت‌های مستعجلی که تاکنون در قلمرو شعر معاصر خوش درخشیده‌اند؛ عمری گاه به کوتاهی یک‌رنگین‌کمان داشته‌اند که برای چندصباحی در فضای بارانی و مه‌آلود شعر، نظر‌ها را به‌جانب خود معطوف داشته‌اند، و گاه عبور یک شهاب‌سنگ را در آسمان خاطر‌ها تداعی کرده‌اند. شعر امروز نیاز به التهاب خورشیدی دارد که جان دوباره‌ای به پیکر نیمه‌جان او بدمد و او را از این خواب